

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

تنبیه پنجم:

بحث در این بود که اگر اجمالاً بدانیم یا این آب نجس است یا این تراب، چه حکمی خواهد داشت؟ تا به حال حکم دو صورت را بیان کردیم، يك صورت همین که علم اجمالی داریم یا این آب نجس است یا این تراب و صورت دوم آنجایی که علم اجمالی داریم یکی از این دو غصبی است یا این آب غصبی است و یا این تراب غصبی است.

صورت سوم: علم اجمالی به نجاست یکی از خاک و آب و غصبی بودن دیگری

در صورت سوم نیز دو فرض قابل تصور است. فرض نخست در جایی است که علم اجمالی داریم یا آب نجس است و تراب غصبی است و فرض دوم عکس فرض نخست است یعنی علم اجمالی داریم با آب غصبی است یا تراب نجس.

به دیگر سخن علم اجمالی داریم «بنجاسة أحدهما و غصبية الآخر» یا این آب نجس است و یا اینکه اگر آب پاک باشد دیگری غصبی است. یا آب غصبی است به این معنا که اگر آب غصبی نباشد تراب نجس است.

سخن مرحوم خویی: مرحوم آقای خویی قدس سره می‌فرمایند در اینجا هم اصول عملیه جریان دارد، تساقط می‌کند از باب دوران بین محذورین است، دوران بین محذورین یعنی بین الوجوب و الحرمة، از يك طرف ما می‌دانیم یا وضو واجب است یا تیمم! اگر واقعاً در اینجا آب نجس باشد و دیگری پاک باشد اینجا تیمم واجب است، اگر آب غصبی باشد و دیگری غصبی نباشد یعنی اگر خاک غصبی باشد و آب پاک باشد وضو واجب است، علم اجمالی داریم یا وضو واجب است یا تیمم. از يك طرف مسئله وجوب احدهما مطرح است و از طرف دیگر مسئله حرمت مطرح است، اگر آب یا تراب غصبی باشد حرام است، لذا دوران می‌شود دوران بین محذورین، بین الوجوب و الحرمة و در دوران بین محذورین باید به موافقت احتمالیّه اکتفاء کنیم. بعد می‌فرمایند اگر علم اجمالی داریم به اینکه یا آب نجس است و یا اگر آب نجس نیست این تراب غصبی است، اینجا وضو واجب است و تیمم به حکم عقل جایز نیست. اینجا یکی که علم اجمالی داریم یا آب نجس است و یا اگر آب نجس نباشد این تراب غصبی است، وضو مقدم است.

در عکس مسئله جایی که علم اجمالی داریم یا این آب غصبی است و یا اگر آب غصبی نباشد این تراب نجس است، تیمم مقدم است. چرا؟ می‌فرمایند در فرض اول یا آب نجس است و یا اگر آب نجس نباشد این تراب غصبی است، اینجا اگر وضو بگیریم، احتمال موافقت را می‌دهیم، احتمال اینکه این آب پاک باشد که داده می‌شود، احتمال موافقت هست اما احتمال ارتکاب الحرمة

وجود ندارد، اگر آب واقعاً پاك باشد، وضوي ما صحيح است، اگر آب واقعاً نجس باشد وضو به حسب الواقع اشكال دارد ولو به حسب ظاهر با اصالة الطهارة درست مي‌شود، اما ديگر ما مرتكب كار حرام نشديم، تصرف در مال غير نكرديم، مرتكب حرمت نشديم.

پس در اینجا که مي‌گوئيم يا اين آب نجس است و يا اگر نجس نباشد اين تراب غصبي است، مي‌فرمايند وضو مقدم است و تيمم به حكم عقل صحيح نيست، چرا؟ چون در تيمم گرچه موافقت احتماليه وجود دارد اما احتمال ارتكاب حرام هم هست، در وضو موافقت احتماليه است بدون احتمال ارتكاب حرام، در تيمم موافقت احتماليه هست با احتمال ارتكاب حرام. اگر ما به عقل مراجعه كنيم عقل کدام را مقدم مي‌كند؟ عقل مي‌گويد در دو عمل كه هر دو از نظر موافقت احتماليه يكسان هستند اما در يكي احتمال ارتكاب حرام نيست و در ديگري احتمال ارتكاب حرام هست، عقل موافقت احتماليه‌اي كه در آن ارتكاب حرام احتمالش داده نشود متعين مي‌داند، پس آن موافقت قطعيه‌اي كه در آن احتمال ارتكاب حرام نيست تعيين دارد.

حالا عكس اين مثال يعني علم اجمالي داريم يا اين آب غصبي است و يا اگر آب غصبي نباشد اين خاك نجس است، مي‌فرمايد اينجا هم روشن است كه به حكم عقل وضو جايز نيست، چون هم در وضو و هم در تيمم موافقت احتماليه وجود دارد ولي در وضو كنار موافقت احتماليه احتمال ارتكاب حرام هست، چون احتمال غصبي بودنش را مي‌دهيم، در تيمم اين احتمال وجود ندارد، لذا هر دو در موافقت احتماليه يكسان است اما در احتمال ارتكاب حرام مختلف، از اين رو عقل مي‌گويد آن موافقت احتماليه‌اي كه در آن احتمال ارتكاب حرام نيست تعيين دارد.

خلاصه‌ای از مطالب مطرح شده در صور مختلف بحث

مجموعاً مرحوم آقاي خويي اينجا مسئله را سه صورت كردند، صورت اولي علم اجمالي به نجاست آب يا تراب، فرض هم اين است كه اين تراب غير از جواز تيمم يك اثر ديگري به نام جواز السجده برايش مترتب است، چون گفتيم اگر فرض كرديم تراب اثر ديگري غير از جواز تيمم ندارد، اينجا اگر علم اجمالي داريم يا آب نجس است يا تراب، اصل جاري در آب رتبه بر اصالة الطهاره‌ي در تراب مقدم است، نوبت به تعارض نمي‌رسد و وضو تعيين دارد. اما اگر يك اثر ديگري به نام جواز السجده باشد اينجا اين دو تا اصالة الطهاره‌ها در عرض يكديگر قرار مي‌گيرند چون نسبت به تيمم در عرض اصالة الطهاره‌ي در ما قرار نمي‌گيرد اما نسبت به جواز سجده در عرض يكديگر قرار مي‌گيرند. وقتي در عرض يكديگر قرار گرفتند با هم تعارض مي‌كنند تساقط مي‌كنند، آن وقت اينجا مرحوم آقاي خويي فرمود ما مي‌گوئيم بايد جمع بينهما بشود اولاً و ثانياً تيمم هم مقدم بر طهارت مائيه شود.

اصل اين مطلب را كه تيمم مقدم شود در كلمات محشين عروه وجود دارد مخصوصاً در كلام مرحوم محقق اصفهاني استاد مرحوم آقاي خويي اين تعبير آمده كه اگر اول وضو بگيريم علم تفصيلي به بطلان تيمم پيدا مي‌كنيم براي اينكه اگر خود اين تراب نجس باشد واقعاً باطل است، اگر اول وضو گرفتيد اين آب نجس باشد محل تيمم نجس شده و مشهور فقها مي‌گويند محل تيمم بايد پاك باشد، اين در صورت اول كه علم اجمالي داريم يا آب نجس است و يا تراب. دو: در جايي كه علم اجمالي داريم يكي از اين دو تا غصبي است فرمودند عنوان دوران بين محذورين را پيدا مي‌كند و موافقت احتماليه، يعني يا با آب وضو بگيرد و يا با اين خاك تيمم كند. و در اينجا فرمودند كه تقديم و تأخيري در كار نيست، هر کدام را خواست انجام بدهد.

اما صورت سوم هم همين بود كه امروز خوانديم كه خودش دو فرض داشت؛ يا آب نجس است يا اگر نجس نباشد خاك غصبي است، يا آب غصبي است و اگر غصبي نباشد خاك نجس است، كه حكم اينها را هم بيان كرديم.

مرحوم سیّد در عروه در مسئله‌ی 3، شرایط ما یتیم به می‌فرماید؛ «إِذَا كَانَتْ عِنْدَهُ مَاءٌ وَ تَرَابٌ وَ عِلْمٌ بِغَضَبِيَّةِ أَحَدِهِمْ» صورت دوم را اول بیان کردند «لَا يَجُوزُ الْوُضُوْءُ وَلَا التَّيْمُ مَعَ الْإِنْحِصَارِ يَكُونُ فَاقِدَ الطَّهْوَرَيْنِ» سیّد می‌فرماید در جایی که علم اجمالی دارید یا آب غصبی است یا خاک، غیر از این دو تا هم آب و خاک دیگری ندارید، انحصار وجود دارد، می‌فرماید این عنوان فاقد الطهورین را دارد، یعنی همین جا که مرحوم آقای خوئی فرمودند اینجا موافقت احتمالیّه کند و یکی از این دو تا را انجام بدهد عنوان دوران بین محذورین را دارد، سیّد می‌گوید فاقد الطهورین است. ما هم در بحث‌مان در جلسه قبل از جلسه امروز گفتیم فاقد الطهورین است.

دلیل اصلی ما این بود که اساساً اینجا نوبت به دوران بین محذورین نمی‌رسد، مرحوم آقای خوئی فرمود اینجا دو علم اجمالی وجود دارد؛ (1) علم اجمالی بغصبیة احدهما، (2) علم اجمالی به اینکه یا وضو واجب است یا تیمّم. ما در این علم اجمالی دومی خدشه کردیم و گفتیم چه کسی گفته اینجا حتماً وضو یا تیمّم واجب است، گفتیم آنجا اگر خاک هم نداشته باشد، خاک ندارد، دو ظرف آب دارد و علم اجمالی دارد یکی از این دو تا نجس است، عقل می‌گوید باید از هر دو اجتناب کند، وقتی اجتناب از هر دو به حکم عقل لازم است، این می‌شود فاقد الماء، وقتی شد فاقد الماء، چطور بگوئیم وضو واجب است، اشکال اصلی ما و تأمل اصلی ما این بود که این وجوب از کجا آمد؟

لذا سیّد در اینجا می‌گوید که علم اجمالی به غصبیّت احدهما است می‌فرماید این فاقد الطهورین است. فرض دیگر می‌فرماید «أَمَّا لَوْ عِلْمُ نَجَاسَةِ أَحَدِهِمَا أَوْ كَوْنُ أَحَدِهِمَا مُضَافاً» می‌فرماید اگر علم اجمالی پیدا کرد یا آب نجس است یا تراب، یعنی همان فرض اول از این فروض ثلاثه‌ای که ما در این دو روز خواندیم. علم اجمالی پیدا کند یا آب نجس است و یا تراب، یا آب مضاف است یا تراب، «يَجِبُ عَلَيْهِ مَعَ الْإِنْحِصَارِ الْجَمْعُ بَيْنَ الْوُضُوْءِ وَ التَّيْمِ» ؛ اینجا باید بین وضو و تیمّم جمع کند.

اولاً در کلام سیّد فرقی بین اینکه این تراب یک اثر دیگری به نام جواز السجدة داشته باشد یا نداشته باشد گذاشته نشده! این در کلمات یکی از محشّین عروه است و بعد هم مرحوم آقای خوئی آمدند این را دنبال کردند. اکثر محشّین اصلاً تفصیلی بین این دو تا نگذاشتند، اینکه بگوئیم اگر اصاله الطهاره که می‌خواهد در این تراب جاری شود اثر دیگری به نام جواز السجده ندارد، اینجا اصلاً اصاله الطهاره در آن جاری نیست! اگر دارد اصاله الطهاره در آن جاری می‌شود و تعارض می‌کند، مرحوم سیّد بین اینها فرق نمی‌گذارد.

ما بحث در تنبیه پنجم را از اینجا آغاز کردیم که اگر در یکی از اطراف علم اجمالی یک اصلی جاری شود که این رتبه بر اصلی که در طرف دیگر جاری می‌شود مقدم است، آن وقت می‌گوئیم با اصاله الطهاره در این آب نوبت به جریان اصاله الطهاره در این تراب نمی‌رسد! اینجا به نظر ما یک خلطی شده و آن خلط این است: درست است که با وجود آب و با امکان وضو امکان تیمّم و جواز تیمّم نیست! این روشن است. اما حالا اگر ما یک آبی داریم و یک ترابی داریم، شک می‌کنیم کدام یک از اینها نجس است؟ در جریان اصاله الطهاره فرقی بین این دو تا نیست! شما وقتی شک می‌کنید این آب پاک است یا نه؟ اصاله الطهاره را جاری می‌کنید، حالا این اصاله الطهاره را که جاری می‌کنید یک اثرش جواز الوضو است، یک اثرش جواز الشرب است، یک اثرش این است که اگر دست به این بگذارید اشکالی ندارد! در تراب هم ما شک می‌کنیم آیا این تراب پاک است یا نه؟ اصاله الطهاره را در آن جاری می‌کنیم، حالا یک اثرش جواز التیمّم است و اثر دیگرش جواز السجده است، حالا بعضی از محشّین به جای اینکه بگویند اثر دیگری به نام جواز السجده، گفتند اگر اثر دیگر مورد ابتلا باشد، این ابتلا را هم باز ابتلائی فعلی معنا کردند که نیازی نیست، ما ترابی داریم، شک می‌کنیم پاک است یا نه؟ اصاله الطهاره فی نفسه در آن جریان پیدا می‌کند. خلطی که می‌خواهم بگویم واقع شده این است که اگر اصل جاری در ماء حکومت داشت بر اصل جاری در تراب، این بحث‌ها درست بود،

اگر می‌گفتیم با امکان جریان اصل در ماء مجالی برای اصل در تراب نیست این فرمایشات درست بود ولی این چنین نیست، اینجا این اصل‌ها در یک رتبه‌اند، بله از نظر وضو و تیمم جایی که امکان وضو باشد نوبت به تیمم نیست، یعنی ما هم می‌گوئیم اصالة الطهارة را در این جاری می‌کنیم، حالا روی مبنای مرحوم میرزای قمی و محقق خوانساری که می‌گویند اصول عملیه در تمام اطراف علم اجمالی جریان پیدا می‌کند، اصل جاری می‌شود. حالا که جاری شد می‌گوئیم با امکان وضو دیگر نوبت به تیمم نمی‌رسد.

لازم نیست آن اصل جاری در تراب یک اثر بالفعل برای ما داشته باشد، یعنی اگر شما بگوئید اصول عملیه باید اثر شرعی داشته باشد، می‌گوئیم درست است! اما لازم نیست آن اثر شرعی الآن مورد ابتلائی من هم باشد و بالفعل هم جاری بشود، برای من اثر داشته باشد. باید یک اثر شرعی واقعی ولو الآن آن اثر مورد نیاز من هم نباشد. فرض کنید فرضی هست که شک دارم این نجس است یا نه؟ هیچ وقت هم روی این فرش نمی‌خواهم بنشینم آیا اصالة الطهارة اینجا جریان ندارد؟ اصالة الطهارة جریان دارد لذا اینجا به نظر ما این خلط واقع شده و سر اینکه مرحوم سید فرق نگذاشته لعل به همین مطلبی که الآن ما عرض کردیم برگردد.

نکته دومی که در اینجا وجود دارد این است که ما در آن بحث که مرحوم آقای خوئی و جمع زیادی هستند مثل مرحوم امام، مرحوم آقای بروجردی، مرحوم والد ما رضوان الله تعالی علیهم اجمعین، شاید هفت هشت نفر از بزرگان و اعظم هم این فرمایش را دارند، در آنجایی که باید بین وضو و تیمم جمع کند باید تیمم را مقدم کند، حتی بعضی‌ها می‌گویند تیمم کند «ثم نفی القرب من یدیه» خاک‌ها را از دستش کنار بزند و بعد وضو بگیرد.

ما در جلسه قبل گفتیم که اولاً اگر بخواهید احتیاط کنید، اول تیمم کند نماز بخواند و بعد دوباره وضو بگیرد و بعد نماز بخواند، چون اگر خاک پاک باشد و آب نجس باشد با بدن نجس وارد نماز می‌شود، پس یک بار تیمم کند وارد نماز شود دو مرتبه وضو بگیرد و وارد نماز شود، در یکی از حواشی‌ای که در این حواشی عروه آمده دیدم بعضی از بزرگان می‌گویند والأحوط الأولی تقدیم التیمم، شاید همان اشکالی که در ذهن ما بوده در ذهن ایشان هم بوده، علی‌ای حال گفتیم اینجا تقدیم تیمم تعیینی ندارد. حالا نظر خود ما چی شد؟ نظر ما این شد که ما روی مسلك مشهور اگر بخواهیم پیش بیاوریم، روی مسلك مشهور که می‌گوئیم اجتناب از تمام اطراف به حکم العقل لازم است، در تمام اینها باید حکم فاقد الطهورین را جاری کنیم.

اصلاً وجهی برای تفصیل وجود ندارد، روی مسلك مشهور که اجتناب از تمام اطراف لازم، اصول عملیه یا جریان ندارند یا جریان دارند و تعارض دارند، چه آنجایی که علم اجمالی بغصبیهٔ أحدهما داریم، آنجایی که علم اجمالی به نجاست أحدهما داریم و یا آنجایی که می‌گوئیم یا آب نجس است و تراب مشکلی ندارد، یا اگر آب نجس نباشد تراب غصبی است یا بالعکس، در تمام اینها در صورت انحصار، غیر از این آب و تراب هم چیز دیگری نداریم، ما گفتیم عنوان فاقد الطهورین را دارد روی مسلك مشهور.

حتی عرض کردم به نظر ما اگر آنجایی که علم اجمالی داریم یکی از این دو ظرف آب نجس است، هیچ خاکی هم نداریم! به نظر ما روی مسلك مشهور این هم باید عنوان فاقد الطهورین را پیدا کند. اما روی مسلك خودمان که گفتیم اصول عملیه در بعضی از اطراف علی‌نحو التخییر جریان دارد، مسئله خیلی روشن می‌شود و نیازی به این بحث‌ها هم نیست، علم اجمالی دارد یکی از این دو تا نجس است، در یکیش اصالة الطهارة را جاری و عمل کند، هر کدام را خواست. علم اجمالی دارد یکی از اینها غصب است در یکیش اصالة الاباحه را جاری کند و طهارت خودش را تحصیل کند، روی این مبنا مسئله روشن است.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته